

Fluid Pixels: Reconstructing Gender Identity in the Realm of
Cyberfeminism

Zahra Mohammadi, PhD student, zmuhammadi.dad@gmail.com,
<https://orcid.org/0000-0002-5266-7662>

Alireza Qaemini, Professor of Epistemology at the Research Institute for
Islamic Culture and Thought, qaemini@iict.ac.ir,

Masoumeh Zareei, Assistant Professor, Department of Psychology and
Family Studies, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran,
m.zarei@kub.ac.ir,

Article Info

Extended Abstract

Date received: 21/09/1403
Date confirmed: 25/01/1404

Today, with the development of information and communication technologies (ICT), especially the formation of cyberspace, human relationships have taken on a different form. Interaction, communication, and information are carried out through the internet. Cyberspace, with its unique features, provides an ideal opportunity to establish cross-border communication networks and organize collective actions. It is also a powerful platform for redefining egalitarian discourse. Feminists have found this space suitable for challenging traditional epistemic, social, and gender limitations to open new horizons for redefining women's identity and feminism. They are referred to as cyberfeminists and consider technology a platform for liberation from traditional constraints and the creative reconstruction of gender. Thus, cyberfeminism focuses on patriarchal, hierarchical, and colonial foundations, as well as the gender inequalities women face in the real world. It seeks to present a gender identity that transcends traditional gender constraints and is manifested in the cyborg, which is the backbone of cyberfeminist discourse.

The present study introduces the concept of "fluid pixels" as a metaphor for digital, changeable units and examines how gender identity is represented in cyberspace. The main goal of this research is to generate new theoretical knowledge, gain a deeper understanding

Fluid pixels,
gender identity,
cyberfeminism,
cyberspace,
cyborg.

of phenomena, and develop or critique conceptual frameworks. Thus, this research is theoretically and fundamentally oriented, examining the relationship between a new context (cyberspace) and gender identity. Although theoretical research primarily aims to "produce new knowledge" and "deeper understanding of phenomena" without focusing on immediate application, it can also have practical implications. The results of this research could provide a basis for understanding the challenges facing identity in contemporary society and for developing appropriate solutions. Given the nature of the subject, we will collect data using the library-documentary method and, in some cases, search social networks and virtual pages. The study begins with the theoretical roots and the expression of theorists' views in this field. It analyzes the inherent characteristics of cyberspace to demonstrate how gender identity has become a fluid, multifaceted process.

The findings suggest that cyberspace has created an unparalleled opportunity to redefine gender identity and, consequently, women's liberation. In this regard, feminists are defending women's identities and rights and challenging patriarchy by theorizing in this area and presenting new ideas. Cyberfeminist activists aim to reshape social structures by creating a new gender identity and breaking down traditional ones. However, this approach faces challenges, limitations, and obstacles that pose a serious threat to the fluidity of gender identity in cyberspace.

When addressing the concept of fluid identity within cyberfeminist discourse, it is important to avoid taking an entirely positive or negative stance. Instead, this phenomenon should be examined from the perspective of its functions, opportunities, and challenges within its conceptual and empirical context. The idea of identity liberation through cyberspace assumes equal access to the internet, information technology, and digital literacy for all. However, in reality, there is a significant digital divide based on social class, geographic location, race, and gender. Thus, the "cyber fluid identity" proposed by cyberfeminists could be a privilege for certain groups, rendering it not a universal solution to escape gender constraints. In summary, cyberspace can be a platform for self-expression and global networking, but its full acceptance requires more caution and thought.

پیکسل‌های سیال: بازسازی هویت جنسیتی در قلمرو سایبرفمینسم

زهره محمدی

دانشجوی دکتری

<https://orcid.org/0009-0003-2220-5947> - zmuhammadi.dad@gmail.com

علی رضا قائمی نیا

استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

orcid-qaemiaia@iiaa.ac.ir

معصومه زارعی

استادیار گروه روان‌شناسی و مطالعات خانواده، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

<https://orcid.org/0009-0006-8497-7143> - m.zarei@kub.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

فمینسم سائیری مفهومی شکل‌گرفته در چارچوب بحث‌های پسا فمینسمی، مجموعه‌ای از معرفت‌شناسی پسا مدرن و پسا ساختارگراست که با حرکت فراتر از مفاهیم تثبیت‌شده هویت جنسیتی به دنبال بازنگری در صداهای فمینسمی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است. در این تفکر، فناوری مسئله‌ای اساسی است که بستری برای رهایی از محدودیت‌های سنتی و بازسازی خلاقانه جنسیت در نظر گرفته می‌شود. براین اساس سایبرفمینسم با تمرکز بر بنیان‌های مردسالارانه، سلسله‌مراتبی، استعمار و نابرابری‌های جنسیتی که زنان در فضای واقعی با آن روبه‌رو هستند، به دنبال ارائه یک هویت جنسیتی است که از محدودیت‌های سنتی مربوط به جنسیت در دنیای واقعی فراتر رفته و در سایبرورگ به عنوان ستون فقرات گفتمان سایبرفمینسمی تجلی می‌یابد. این مقاله با معرفی مفهوم «پیکسل‌های سیال» به عنوان استعاره‌ای از واحدهای تغییرپذیر دیجیتال به بررسی چگونگی بازنمایی هویت جنسیتی در فضای سایبر می‌پردازد. از ریشه‌های نظری و بیان دیدگاه‌های نظریه‌پردازان این حوزه آغاز می‌کند و ویژگی‌های ذاتی فضای سایبر را واکاوی می‌کند تا نشان دهد چگونه هویت جنسیتی به فرایندی سیال و چندگانه تبدیل شده است. براین اساس با نگاهی انتقادی به چالش‌هایی چون نابرابری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

پیکسل‌های سیال،

هویت جنسیتی،

سایبرفمینسم،

فضای سایبر،

سایبرورگ.

دسترسی که سیالیت هویت را محدود می‌کنند نیز توجه می‌کند. به‌رغم فرصت بی‌سابقه‌ای که فضای سایبر برای هویت جنسیتی و در نتیجه رهایی فراهم آورده، این هویت با هویت در فضای سنتی بسیار مرتبط است و بر خلاف آنچه ادعا می‌شود، هنوز بازنگری‌های مداوم برای تحقق عدالت و فراگیری ضرورت دارد.

بیان مسئله

هویت از مقوله‌هایی است که در میان شبکه‌هایی از ارتباطات گسترده قرار گرفته و به عنوان ابزاری حیاتی در درک رفتار جمعی، تجربه‌های شخصی و تعامل بین افراد و جامعه استفاده می‌شود (ر.ک: وایگرت،^۱ ۱۹۹۳م: ۱۸۳-۲۰۶). این مقوله به عنوان یک مفهوم کلی که از چیستی شیء یا کیستی شخص سخن می‌گوید، قابلیت افزوده شدن به اوصاف را دارد و از این بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. در مثال «هویت جنسیتی» با افزوده شدن جنسیت به مقوله هویت، از همان بعد به هویت توجه می‌شود.

در دهه‌های اخیر به دلیل نقش اساسی رسانه‌های اجتماعی و فضای سایبر در شکل‌گیری هویت، این فضا به عنوان بستری غیرمادی و شبکه‌ای، مفهوم هویت جنسیتی را از چارچوب‌های سنتی و بیولوژیک خارج و به حوزه‌ای سیال و قابل بازسازی تبدیل کرده است. در این میان سایبرفمینیسم (جنبشی شکل‌گرفته در تقاطع فمینیسم و فناوری) ضمن برخورداری از مواضع نظری و سیاسی متنوع، با تمرکز پایدار بر جنسیت و فناوری‌های دیجیتال، سلسله‌مراتب جنسیتی را به چالش می‌کشد و چشم‌اندازهای توانمندسازی زنان را با ارائه هویت جنسیتی جدید نشان می‌دهد. تجلی این رویکرد در مانیفست سایبورگ هاراوی به اوج خود رسیده و الهام‌بخش بسیاری از فمینیست‌های سایبری برای کشف رابطه پیچیده میان جنسیت و فناوری بوده است.

سایبورگ که نماد رهایی زنان و جهانی بدون جنسیت است، اگرچه فضای سایبر را به مکانی از هویت‌های جدید تبدیل می‌کند که به مبارزه با نمادهای قدرت و سلسله‌مراتبی در جهان سنتی می‌پردازد، با چالش‌هایی نیز همراه بوده و موجب طرح پرسش‌های جدی شده است؛ از جمله: فضای سایبر چگونه هویت جنسیتی را بازسازی می‌کند؟ این بازسازی تا چه اندازه رهایی‌بخش بوده و چه مخاطرات و محدودیت‌هایی را به همراه دارد؟ این مقاله با معرفی مفهوم «پیکسل‌های سیال» - استعاره‌ای از واحدهای تغییرپذیر دیجیتال که هویت را در فضای سایبر و تعاملات سایبری

1. Weigert.

بازنمایی می‌کند - به این مسائل پرداخته و نشان می‌دهد به‌رغم سیالیت هویت جنسیتی و وابستگی نداشتن به بدن، تناقض‌های میان پتانسیل‌های بخش فضای سایبر و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی، درک و پذیرش این هویت را پیچیده می‌کند.

درک تحولات صورت گرفته توسط فناوری‌های نوظهور به‌ویژه فضای سایبر که به‌سرعت در حال تغییر نحوه تجربه و بازنمایی هویت جنسیتی هستند، نه تنها به فهم چالش‌های پیش‌روی ایده‌های سایبرفمینیستی کمک کرده؛ بلکه به سیاست‌گذاری عادلانه همراه با در نظر داشتن واقعیت‌ها کمک می‌کند. در این راستا نوشتار حاضر بر سه محور استوار است: ریشه‌های نظری سایبرفمینیسم؛ ویژگی‌های فضای سایبر به عنوان قلمرو تحول؛ تنش میان ایده‌های موجود و محدودیت‌های ساختاری.

۱. ریشه‌های نظری سایبرفمینیسم و هویت جنسیتی

همگام با توسعه فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، یکی از گروه‌هایی که بیشترین بهره‌برداری را از این فضا کرده، فمینیست‌ها هستند. فمینیسم در فضای سایبر یا به عبارتی سایبرفمینیسم^۱ در نظریه و عمل مهم‌ترین پاسخ فمینیستی به رابطه زن و ماشین در نظر گرفته می‌شود. سایبرفمینیسم به عنوان یک جریان فکری که در تقاطع فمینیسم، فناوری و فرهنگ دیجیتال شکل گرفته، هویت جنسیتی را از دیدگاهی نو و خارج از چارچوب سنتی آن بررسی می‌کند.

این اصطلاح نخست در اوایل دهه ۱۹۹۰ در میان گروهی متفاوت از نظریه‌پردازان، هنرمندان و علاقه‌مندان به علم و فناوری فمینیستی در مکان‌های گوناگون در سراسر جهان رایج شد. مجموعه هنری - رسانه‌ای مستقر در استرالیا که با نام VNS Matrix (ر.ک: بارنت، ۲۰۱۴م) شناخته می‌شود، با رویکردی عملی و طنزآمیز، فناوری را ابزاری برای خراب‌کاری فمینیستی علیه ساختارهای مردسالار معرفی کرده و هنجارهای جنسیتی را به چالش کشیده‌اند. به عنوان نخستین گروهی که اصطلاح سایبرفمینیسم را به کار برد، جولیان پیرس^۳ از اعضای آن در مورد ریشه آن می‌نویسد: «هم‌زمان با شروع استفاده از مفهوم سایبرفمینیسم، استفاده از این واژه در نقاط دیگر جهان آغاز شد؛ شبیه الگوی رفتاری خودجوش که تقریباً در همان زمان به عنوان پاسخی برای ایده‌هایی همچون سایبرپانک که در آن زمان محبوب بود. از آن زمان الگوهای رفتاری به‌سرعت

1. Cyberfeminism.
2. Barnett.
3. Julianne Pierce.

گسترش یافته و بی‌گمان ایده‌ای است که از سوی بسیاری از زنان که با تئوری و عمل فناوری درگیر هستند، پذیرفته شده است.^۱

دونا هاراوی^۲ تاریخ‌نگار علم و نظریه‌پرداز پسا مدرنِ فمینیست که یکی از نظریه‌پردازان اصلی این جریان است، در یکی از نخستین مقاله‌های خود با عنوان «مانیفستی برای سایبورگ: علم، فناوری و فمینیسم سوسیالیستی در اواخر قرن بیستم»^۳ با به‌کارگیری این اصطلاح و با نگاهی خوش‌بینانه و حتی آرمانی در مورد پتانسیل ترکیب ماشین/ انسان سخن گفته و آن را نشانه‌ای برای اوضاع جدید در دنیای فناوری و همچنین یک «افسانه سیاسی کنایه‌آمیز» برای رهایی زنان و جهانی بدون جنسیت می‌داند (هاراوی، ۱۹۹۱م: ۸-۹). تأکید هاراوی بر ایجاد لذت از ترکیب انسان/ ماشین، سایبرفمینیسم را از فمینیست‌های دیگر متمایز می‌کند؛ جایی که فناوری ابزاری برای آزادی زنان، متمایز از بدن درک می‌شود؛ بنابراین در دنیای سایبرفمینیسم، فناوری، هم وسیله لذت و هم لذت رهایی است و نه صرفاً ابزاری فناورانه (همان).

به باور هاراوی، وضع ترکیبی سایبورگ، خلوص هستی‌شناسی که بر اساس آن، جامعه غربی آنچه را به طور هنجاری انسانی تعریف می‌کند، به چالش می‌کشد. بر این اساس او معتقد است قدرت استعاری نوع سایبورگ او دقیقاً در این است که ما را قادر می‌کند «طبیعت‌گرایی» دوگانه تعیین‌شده بیولوژیکی بین مرد و زن را به چالش بکشیم و دربارهٔ هویت‌های جنسیتی ثابت تجدیدنظر کنیم. این وضع پساانسانی^۴ که هاراوی بدان می‌پردازد، به دوره‌ای از روابط جدید میان «انسان، طبیعی یا ساخته‌شده»^۵ اشاره می‌کند. شایستگی به ابزارهایی که «انسانیت»، «طبیعت» و «فرهنگ» با آنها دسته‌بندی می‌شوند، بخشی از یک تاریخ طولانی‌تر در غرب است. به‌طورکلی یکی از ویژگی‌های همیشگی نمایش این گونه‌های سایبورگ، تنش میان ویژگی‌های انسانی و فناورانه سایبورگ‌هاست؛ مانند کشمکش‌هایی که بین «بدن» و «ماشین» یا «احساسات» و «عقلانیت» به تصویر کشیده می‌شود. با وجود این تصویر هاراوی از سایبورگ می‌کوشد فراتر از این دوگانگی حرکت کند و نمونه‌ای از دنیایی غیردوگانه، پسا جنسیتی، پسااستعماری و فراصنعتی بسازد.

1. <http://www.aec.at/www-ars/matrix.html>

2. Donna Haraway.

3. A Manifesto for Cyborgs: Science, Technology, and Socialist-Feminism in the Late Twentieth Century.

4. the Post-Human Condition.

5. the Human, the Natural, or the Constructed.

6. Haraway, Donna, The Actors are Cyborg, Nature is Coyote, and the Geography is Elsewhere: Postscript to "Cyborgs at Large", p.21.

پس در ساده‌ترین حالت، فمینیسم سایبری دو دسته به‌ظاهر مخالف را گرد هم آورده است: زن به مثابه موجود بیولوژیکی یا ساختار فرهنگی؛ فناوری به عنوان ابزارهای ایجادشده برای تعامل با دنیای فیزیکی. بر همین اساس در صفحات ابتدایی «مانیفستی برای سایبورگ‌ها»، هاراوی در پاسخ به پرسش از ماهیت «زن» بخش زیادی را صرف حمله به مفهوم وحدت در زنانگی می‌کند. او می‌گوید: «هیچ چیزی در مورد "زن" بودن نیست که به‌طور طبیعی زنان را به هم وصل کند؛ حتی حالتی مانند زن "بودن" وجود ندارد» (همان: ۱۴).

محققان با این موافق‌اند که مانیفست سایبورگ دونا هاراوی به عنوان ستون فقرات گفتمان سایبر فمینیستی برای برون‌رفت از مشکل موجود، فمینیسم معاصر را مفهوم‌سازی می‌کند که فراتر از دوگانه‌های سنتی و محدودیت‌های ذاتی جنسیت و سیاست فمینیستی متداول حرکت می‌کند (گاجالا،^۱ ۲۰۰۰: ۱۲۰). این‌گونه در تفکر پسامدرن و فضای سایبر، مقوله‌های «زن» و «مرد» (یا پیر و جوان یا سیاه و سفید) همه معنای خود را از دست می‌دهند؛ چنان‌که هاراوی خود نیز معتقد است: «سایبورگ موجودی در جهان پساجنسیت است» (هاراوی، ۱۹۹۱م: ۱۵۰)؛ بنابراین سایبورگ‌ها به عنوان استعاره‌ای از موضوعات فمینیستی، در جایی که فناوری دیگر امری مردانه شناخته نمی‌شود، این فرصت را به زنان می‌دهد تا خود را با بهره‌گیری از همان فناوری مجازی که مردان از آن استفاده می‌کنند، به شیوه‌هایی که همچنان هویت را خود را به عنوان زن نشان می‌دهند، اثبات کنند.

دونا هاراوی با ارائه یک عطف جدید به استدلال فمینیستی، اعلام می‌دارد تنها فرهنگ سایبری مبتنی بر شبیه‌سازی قابلیت‌هایی بخشی دارد و از طریق بازنمایی می‌تواند موقعیت زنان را تثبیت کند. براین اساس زنان دیگر به یک مرجع یا جهان وابسته نیستند و دیگر به عنوان قربانیان ناخواسته در یک درام ادیبی^۲ به صحنه نمی‌روند؛ بلکه زنان آزادند خود را از طریق شبیه‌سازی، اختراع و بازاختراع کنند. وقتی همه‌چیز مصنوعی شد، دیگر ذات وجود ندارد.

بنابراین هاراوی نشان می‌دهد که چگونه فناوری این قابلیت را دارد تا هویت جنسیتی را از تعینات بیولوژیک آزاد کند و هویت را به حالتی سیال و انتخابی تبدیل نماید. براین اساس سایبورگ پیشنهادی او را می‌توان نمادی از امتناع از دوگانه‌های جنسیتی در نظر گرفت که یک امکان فمینیستی برای آفرینش هویت‌های جدید را فراهم می‌آورد.

سادی پلانت دیگر نظریه‌پرداز حوزه سایبر فمینیسم با توصیف نوآوری‌های فناورانه در فرهنگ-

1. Gajjala.

2. Oedipal Drama.

های غربی به عنوان یک زلزله جنسیتی، آن را دارای نقش محوری در تغییر اساسی قدرت از مردان به زنان می‌داند (پلانت، ۱۹۹۸م: ۳۷-۳۹). او همانند برخی نظریه‌پردازان سایبرفمینیست این ایده را که فناوری یک سیستم مردسالار است و با هویت‌های مردانه گره خورده - به‌طوری‌که هویت جنسیتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد - امری اساسی می‌داند. براین اساس او «یک‌ها» در عبارت «صفرها و یک‌ها»^۲ را که قسمتی از عنوان یکی از آثار او را نیز تشکیل می‌دهد، هویت مفرد مردانه‌ای توصیف می‌کند که هویت زنانه نیز با آن اندازه‌گیری و با عنوان «صفر» یافت می‌شود؛ بنابراین پلانت هوشمندانه با بهره‌گیری از زبان دیجیتال کامپیوترها (توالی صفر و یک) به دنبال برانگیزاندن جنسیت جدیدی در پرتو فناوری و تغییر در رابطه زن و ماشین است (همان: ۳۵-۳۸). شبکه،^۳ فضای مجازی،^۴ واقعیت مجازی^۵ و ماتریس^۶ شکلی از «دنیای غیرخطی توزیعی»^۷ جدیدی را به تصویر می‌کشند که به روش‌های پیش‌بینی‌پذیر و منظم رشد نمی‌کنند و تحت کنترل نمی‌آیند. نوآوری‌ها در نقاط گوناگون وب رخ می‌دهد و جلوه‌هایی را ایجاد می‌کند که از خاستگاه‌های بی‌واسطه خود، پیشی می‌گیرد. پلانت با استناد به این ویژگی فناوری و بهره‌گیری از آن، آن را به مثابه وسیله ایدئال زنانه‌ای توصیف می‌کند که زنان باید در آن، احساس در خانه بودن را داشته باشند. او در توجیه سخن خود، با برتری دادن زنان بر مردان در سیستم‌ها و فرایندهای سیال اظهار می‌دارد: این متمایز بودن حالت زنان با تغییرات مرتبط با فناوری اطلاعات کاملاً مطابقت دارد؛ بنابراین استعاره‌های این فناوری درواقع برگرفته از دنیای زنانه است و پلانت با نگاهی به ظهور این فناوری در می‌یابد که زنان باید در آن، نقش محوری داشته باشند. در نظر پلانت، این فناوری قابلیت بازگشت به نظم پیشین را ندارد و فضای سایبر خارج از کنترل انسان است؛ واقعیت مجازی هویت او را از بین می‌برد و دیجیتالی شدن روح او را ترسیم می‌کند و در اوج پیروزی و اوج ساخت‌های ماشینی، مرد با سیستمی که برای محافظت از خود ساخته است، روبه‌رو می‌شود و پی می‌برد این سیستم درواقع زن است و خطر دارد (همو، ۱۹۹۶م: ۱۸۱-۱۸۲).

این ریشه‌های فکری نشان می‌دهند به‌رغم تفاوت نگرش سایبرفمینیست‌ها در مورد ماهیت

1. Plant.
2. Zeros & Ones.
3. The Net.
4. Cyberspace.
5. Virtual Reality.
6. Matrix.
7. Distributed Nonlinear World.

فناوری، سایبر فمینیسم از ابتدا به دنبال جایگزینی برای هویت‌های ثابت جنسیتی بوده و همه بر سیالیت، خلاقیت و پتانسیل‌های بخش فناوری در بازتعریف هویت جنسیتی تأکید دارند. در نظر ایشان، فضای سایبر بستری است که هویت در آن می‌تواند خود را از قید و بند های سنتی رها کند.

۲. فضای سایبر به عنوان قلمرو تحول هویت

سایبر فمینیست‌ها فضای سایبر را مکانی در نظر می‌گیرند که از محدودیت‌های دنیای مادی عبور کرده و امکان بازنمایی‌های جدید و سیال از هویت را فراهم می‌آورد. در این قسمت به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که چرا و چگونه فضای سایبر به عنوان یک قلمرو منحصر به فرد، بستری برای تحول هویت جنسیتی فراهم آورده است. در این راستا ویژگی‌های ذاتی فضای سایبر و تأثیر آنها بر هویت جنسیتی واکاوی می‌شود.

۲-۱. فضای سایبر و رهایی از بدن فیزیکی

با شکل‌گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌طور مشخص اینترنت و فضای مجازی، با سطحی از مجاز که برخوردار از واقعیت است، روبه‌رو هستیم. تصویرسازی از این فضا به عنوان فضایی غیرمادی و دیجیتال که در آن، هویت افراد دیگر به بدن فیزیکی وابسته نیست، فرصت مناسبی برای سایبر فمینیست‌ها فراهم آورده تا با بهره‌گیری از آن به بازتعریف هویت جنسیتی بپردازند. توضیح اینکه زنان همواره در دوران زندگی خود، روابط پیچیده‌ای با بدنشان دارند؛ از همان کودکی پیام‌های مردسالارانه‌ای دریافت می‌کنند که اگرچه بسته به فرهنگ، نژاد و موقعیت اجتماعی در جزئیات تفاوت می‌یابند، همه به یک مقصود هستند. این نگاه فرودستانه در طی دوره‌های گوناگون به زن و بدن او از یک سو و ظهور، شکل‌گیری و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با ویژگی‌های خاص آن در دوران کنونی از سوی دیگر، موقعیت مناسبی برای مدافعان حقوق زنان و فمینیست‌ها به‌ویژه فمینیست‌های سایبری فراهم آورده تا با ارائه ایده‌های گوناگونی، از ساخت هویت‌های جنسیتی در فضای آن‌لاین گرفته تا احتمال وجود «بدن»‌های جنسیتی یا تهی از جنسیت در یک نوع آرمان‌شهر در فضای مجازی را بررسی کنند.

بنابراین این ایده که اینترنت و فضای سایبر قابلیت تغییر در نقش‌های جنسیتی مرسوم را دارد و می‌تواند رابطه میان بدن و خود را از طریق فناوری تغییر دهد، به موضوعی رایج در فمینیسم پسامدرن اخیر تبدیل شده است. طبق این اندیشه، در فضای سایبر، نابرابری جنسیتی مانند جاذبه زمین به حالت تعلیق در می‌آید، تمام نشانه‌های فیزیکی و بدنی از ارتباطات حذف می‌شود و در نتیجه تعاملات انسانی از اساس تفاوت می‌یابد؛ زیرا انسان‌ها دیگر در معرض قضاوت بر اساس جنسیت، نژاد، صدا، لهجه یا ظاهر خود نیستند؛ بلکه فقط بر اساس مبادلات متنی در معرض

قضاوت هستند. این ماهیت فزاینده تعاملی و خلاقانه فناوری است که سبب شده میلیون‌ها کاربر بخش زیادی از زندگی خود را در فضای مجازی بگذرانند. افزون بر این در دنیای دیجیتال، مردم حس جدیدی از خود را تجربه می‌کنند که غیر متمرکز، چندگانه و سیال است.

آلویس روزان استون به شیوه‌ای مشابه راه‌های بی‌شماری را که در آن، فناوری مدرن مفاهیم سنتی هویت جنسیتی را به چالش می‌کشد، بررسی و واکاوی می‌کند. براین اساس هویت‌های مجازی پیچیده، این باور فرهنگی را که فقط یک خود در بدن وجود دارد، از هم می‌گسلد؛ برای نمونه استون در مورد اینترنت و سکس مجازی توضیح می‌دهد که کارگران جنسی زن چگونه جنبه‌های مهم هویت خود را پنهان می‌کنند و می‌توانند در جعل مجدد دیگری از خود بازی کنند؛ بنابراین او این تصور را که افراد مجازی یا خود بتوانند در فضای مجازی وجود داشته باشند، بدون اینکه پیوند ضروری با بدن داشته باشند، مهم قلمداد می‌کند (استون،^۱ ۱۹۹۵م: ۳).

بنابراین این ویژگی فضای سایبر این امکان را برای افراد به‌ویژه زنان فراهم می‌آورد تا از تعینات بیولوژیکی (کروموزم‌ها یا اندام‌ها) و هنجارهای اجتماعی (نقش‌های جنسیتی) فراتر بروند و جنسیت را به شکلی انتخابی و سیال تجربه کنند. با ظهور فناوری سایبری، زنان این قدرت را به دست می‌آورند که از بدن بیولوژیکی فراتر بروند و خود را خارج از مقوله‌های تاریخی «زن»، «دیگر»، و «شیء» بازتعریف کنند. قوانین طبیعت و زیست‌شناسی به عنوان مبنای تفاوت و نابرابری جنسیتی سرانجام اقتدار خود را از دست می‌دهند و بدین‌سان سایبورگ با از بین بردن دوگانه‌های جنسیتی، فضای آن‌لاین را به مکانی آزاد برای دسترسی زنان و نیز توانمندسازی آنان تبدیل می‌کند (بالسامو،^۲ ۱۹۹۹م: ۱۱).

۲-۲. سیالیت و گمنامی هویت

از دیگر ویژگی‌های ممتاز فضای سایبر که آن را محل مناسبی برای بیان دیدگاه‌های جدید درباره هویت جنسیتی از سوی فمینیست‌های سایبر کرده، گمنام و سیال بودن هویت در این فضا است. در تاریخ زندگی انسان در دنیای واقعی، هویت افراد همیشه ثابت و استوار بر تعریف مشخص بوده و به همین نحو از سوی جامعه و نظام‌های قانونی که در آن متولد شده‌اند، پشتیبانی شده‌اند؛ اما با شکل‌گیری فناوری اطلاعات و اینترنت، این امکان پدید آمده تا فرد هرگونه تمایل دارد، خود را معرفی کند.

1. Stone.

2. Balsamo.

سیالیت جغرافیا در فضای سایبر سبب شده هویت‌های پراکنده متعدد جایگزین هویت اجتماعی واحد شود. اگرچه این هویت‌های جداگانه با یکدیگر هویت بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند، هنوز از جهات بسیاری با یکدیگر هم‌خوانی ندارند. هویت‌های شکل‌گرفته در فضای مجازی - به دلیل ماهیت پراکنده و سیال خود - اغلب ناپایدار و نامحدود هستند و با هویت در معنای سنتی آن تفاوت می‌یابند. به همین نحو، روابط شکل‌گرفته در چنین فضایی نیز پیچیده، پراکنده و تعریف‌نشده خواهد بود. براین اساس بر خلاف دیدگاه‌های مرسوم درباره هویت که به دنبال کلیت‌سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن را بر فرد در نظر می‌گیرند، چنین تعاریفی برای هویت ساخته شده در فضای سایبر دشوار به نظر می‌رسد؛ چراکه با گسترش مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در فضای مجازی مخدوش می‌شود.

با وجود استواری هویت افراد بر تعریف ثابتی که جامعه و نظام قانونی ارائه می‌دهد، در فضای سایبر، بروز هویت قابلیت دیگری می‌یابد و این امکان برای فرد فراهم می‌آید تا ویژگی‌های هویتی خود را تعریف کند؛ از این رو گمنامی و ناشناخته بودن، امکان پنهان‌سازی شخصیت واقعی و نیز احساس تعلق نداشتن به جغرافیای خاص، از مهم‌ترین تأثیرهای این ویژگی به شمار می‌آید. شری ترکل^۱ در کتاب خود که بر روی امکانات اینترنت به عنوان فضایی برای ساخت هویت آزمایشی تمرکز دارد، هویت ساخته‌شده در فضای سایبر را منعطف، جزئی و سیال و هویتی به دور از هرگونه محدودیت‌های دنیای واقعی می‌داند (ترکل، ۱۹۹۵م: ۱۸۰)؛ بنابراین هویت در فضای مجازی - بر خلاف فضای حقیقی - تقریباً فاقد محدودیت است و می‌تواند به انحای گوناگون ظهور یابد. البته سیالیت و گمنامی هویت در فضای سایبر هرگز به معنای نبود هویت در این فضا نیست؛ بلکه هویت‌های آن‌لاین از طریق مشخصه‌های ظاهری که فرد خواسته یا ناخواسته ارائه می‌دهد، ساخته می‌شود و طبق آن قضاوت می‌شود؛ برای نمونه یک مرد دین‌دار با حرفه روان‌پزشکی و دارای روحیه محافظه‌کارانه و تندرو و برخورددار از سلامت جسمانی، به طور قانع‌کننده‌ای می‌تواند در فضای مجازی، خود را زنی ملحد، معلول و روان‌شناس عصب معرفی کند. چیزی که بر قطع ارتباط بالقوه بین هویت آن‌لاین و آف‌لاین تأکید دارد (همان: ۵۴).

بنابراین سیالیت و گمنامی هویت در فضای سایبر به افراد اجازه می‌دهد از قضاوت‌های مبتنی بر جنسیت فرار کنند و جنسیت خود را به صورت آزمایشی یا دائمی تغییر دهند.

1. Sherry Turkle.

۳-۲. قابلیت بازسازی و گزینشی بودن هویت در فضای سایبر

از ویژگی‌های برجسته فضای سایبر، قابلیت بازسازی و گزینشی بودن هویت در این فضا است. این ویژگی سبب شده برداشت چندگانه‌انگار جدیدی که ناشی از ایجاد و توسعه فناوری است، جایگزین برداشت سنتی از هویت شود که برداشتی اتمی (تک‌هویتی) یا دوگانه‌گرا (روح و جسم) است. در خصوص جایگاه اینترنت در شکل‌دهی هویت، باربارا ملونی^۱ معتقد است ما به عنوان افراد انسانی در سرتاسر تاریخ، هویت خود را در ارتباط با نزدیکان خود در خانواده و جوامع دریافت کرده‌ایم. امروزه اینترنت نیز باید به عنوان فضایی که در آن هویت‌مان را می‌آفرینیم، افزوده شود. ما نمی‌توانیم هویت خود را بی‌اهمیت جلوه دهیم؛ بلکه باید در فضای تازه اینترنت، آن را ایجاد کنیم (ر.ک: ملونی، ۲۰۰۵م).

شاخصه مهم در ایجاد چنین هویتی، نقش اساسی فرد در شکل‌گیری هویت است. در این فضا «هویت به جای اینکه از پیش تعیین شده باشد، از خود تعریف می‌شود» (ر.ک: رید،^۲ ۱۹۹۴م). قابلیت‌هایی که از یک سو می‌تواند به هویتی متفاوت و حتی گاه متناقض با هویت واقعی فرد در فضای سایبر منجر شود و از سوی دیگر به کاربر این فرصت را می‌دهد تا خود را به نحوی که در دنیای واقعی و به آسانی در دسترس نیست، نشان دهد؛ بنابراین از نتایج گزینشی بودن هویت در فضای سایبر به چالش کشیدن هویت کنونی و واقعی کاربران است؛ بدین معنا که کاربر ابتدا از خود واقعی‌اش تهی می‌شود و سپس فرصت بروز خود ایدئال به او داده می‌شود؛ خود جدیدی که به طور آگاهانه یا ناآگاهانه در فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی و فضای سایبر بر ساخته شده است. این فضا اوضاعی فراهم می‌آورد تا کاربر از هر جنس، سن، طبقه، نژاد و قومیتی بتواند در آن ظاهر شود و نقش دلخواه خود را بازی کند. در نتیجه این ویژگی به مثابه یک ابزار به فرد اجازه می‌دهد جنسیت خود را به عنوان یک «عملکرد» اجرا کند و آن را به شکلی که می‌خواهد، تغییر دهد یا حتی از آن فراتر رود.

۴-۲. شبکه‌ای و غیرمتمرکز بودن فضای سایبر

بر خلاف ساختارهای سلسله‌مراتبی دنیای واقعی مانند نهادهای قدرت یا خانواده، فضای سایبر ساختاری شبکه‌ای و غیرمتمرکز دارد که در آن، روابط و هویت‌ها به صورت افقی شکل می‌گیرند. براین اساس اینترنت به شکل ایدئالی برای ارتباطات چند به چند که شکلی از تعامل شبکه‌ای

1. Barbara Molony

2. Reid.

است، طراحی شده و با ارتباط یک به چند با ویژگی سلسله‌مراتبی تفاوت دارد (کاستلز، ۲۰۰۱م: ۲)؛ به بیان دیگر شبکه‌ای بودن فضای سایبر چیزی شبیه یک سیستم درون‌پیوندی تا حدودی شبیه مغز و سلسله اعصاب در بدن انسان است که افراد و گروه‌ها را در این فضا به هم متصل می‌کند. شبکه‌ای بودن فضای مجازی به تضعیف روابط اجتماعی قدیمی می‌انجامد و فرصت‌های جدیدی برای گروه‌های گوناگون به منظور تبادل اطلاعات جهانی و دموکراسی مشارکتی فراهم می‌کند. اینترنت به مثابه شبکه‌ای خارج از کنترل هر گروهی، ابزار مناسبی برای گسترش اهداف اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل اندیشمندان حوزه سایبری از نیکلاس نگروپوتی^۲ تا مانوئل کاستلز اعلام می‌کنند اینترنت و فضای سایبری در حال یک انقلاب فناورانه و اجتماعی است؛ از این رو گفته می‌شود شبکه‌های الکترونیکی شکل‌های جدیدی از جامعه‌پذیری را ایجاد می‌کنند که موجب هماهنگی جهانی بیشتر می‌شوند.

بنابراین اینترنت به‌طور خاص و جامعه شبکه‌ای به‌طور عام موجب تضعیف جامعه سلسله‌مراتبی به‌ویژه نظام پدرسالارانه می‌شود؛ زیرا اساس نظام پدرسالارانه بر سلسله‌مراتب، آمریت و تمرکزگرایی است؛ درحالی‌که اساس نظام شبکه‌ای بر ارتباطات تعاملی، عاملیت و تمرکززدایی است. براین اساس با آگاهی نداشتن از هویت کاربر، قرار دادن او در سلسله‌مراتب خاص ممکن نیست و گزینشی بودن هویت نیز موجب می‌شود کاربر بتواند با معرفی هویتی غیر از هویت اصلی خود، سلسله‌مراتب را در این فضا جابه‌جا کند؛ بنابراین این ساختار به کاربر، این امکان را می‌دهد که از کنترل متمرکز مانند هنجارهای جنسیتی مردسالارانه آزاد شود و هویت خود را به شکلی پویا و در تعامل با دیگران بازتعریف کند.

با این اوصاف، گمنامی و سیالیت، غیرمادی بودن و شبکه‌ای بودن فضای مجازی، آن را به قلمرویی ایدئال برای تحول هویت جنسیتی تبدیل کرده است. این ویژگی‌ها به جریانی چون سایبرفمینیست‌ها اجازه می‌دهد جنسیت را از یک امر ثابت به فرایندی سیال و تغییرپذیر تبدیل کند. این قلمرو آرمان‌های سایبرفمینیستی را عملی می‌کند و همچون بستری برای ایده‌هایی مانند سایبورگ عمل می‌کند.

۳. پیکسل‌های سیال: سازوکار بازسازی هویت جنسیتی

با توجه به ماهیت فضای سایبر که یک فناوری صرف نیست؛ بلکه قلمروی فرهنگی و اجتماعی

1. Castells.
2. Nicholas Negroponte.

است که هویت جنسیتی در آن بازتعریف می‌شود، این بخش با تأکید بر ویژگی‌های منحصر به فرد فضای سایبر به دنبال آن است تا توضیح دهد چرا فمینیست‌های سایبری این فضا را به عنوان میدان اصلی برگزیده‌اند و چگونه این فضا به تحول هویت کمک کرده است؛ به سخن دیگر چگونه فناوری‌های دیجیتال همچون سازوکاری برای بازسازی هویت جنسیتی عمل می‌کند. «پیکسل‌های سیال» استعاره‌ای است که نشان‌دهنده واحدهای کوچک و تغییرپذیر دنیای دیجیتال است که کاربران با بهره‌گیری از آنها هویت‌های جنسیتی خود را به شکل خلاقانه، سیال و پویا بازنمایی می‌کنند.

۳-۱. مفهوم پیکسل‌های سیال: استعاره و واقعیت

پیکسل‌ها کوچک‌ترین واحدهای سازنده تصاویر دیجیتال هستند که با تغییر و ترکیب آنها می‌توان تصاویر جدید ایجاد کرد. در اینجا «پیکسل‌های سیال» به عنوان استعاره به انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری هویت جنسیتی در فضای سایبر اشاره دارد و به عنوان واقعیت به ابزارهای دیجیتالی اشاره می‌کند که این تغییر را ممکن می‌کنند. پس همان‌گونه که پیکسل‌ها می‌توانند به سرعت تغییر کنند و تصاویر متفاوتی بسازند، هویت جنسیتی در فضای سایبر نیز می‌تواند از یک حالت ثابت به حالتی سیال و چندگانه تبدیل شود.

۳-۲. سازوکارهای بازسازی هویت در فضای سایبر

۳-۲-۱. نام‌های مستعار به عنوان پیکسل‌های سیال

سازوکارهای متعددی برای بازسازی هویت در فضای سایبر وجود دارند. یکی از این سازوکارها نام‌های مستعار هستند. آزادی انتخاب و ناشناس بودن در فضای سایبر به کاربر اجازه می‌دهد با استفاده از نام‌های مستعار، هویت واقعی خود مانند نام قانونی یا جنسیت ثبت‌شده را از کاربران دیگر در این فضا پنهان کند. این ویژگی همچنین فرصتی برای ایجاد جنسیت به شکلی که فرد خواهان بازنمایی آن است، بدون اینکه به هنجارهای دنیای واقعی محدود شود، به شمار می‌آید؛ برای نمونه کاربر زنی با انتخاب نام «اسفندیار» یا کاربر مردی با انتخاب نام «سارا» برای خود می‌تواند به کاربران دیگر، هویتی از جنس مخالف را وانمود کند. انتخاب نام‌های خنثی مانند «سایه» یا «آسمان» و نام‌های غیرانسانی همانند «ستاره‌گرد» یا «روح دیجیتال» نمونه دیگری از سیالیت هویت جنسیت در فضای سایبر به شمار می‌آید. انتخاب این نام‌ها این قدرت را به کاربر می‌دهد تا جنسیت خود را به صورت سیال تعریف کند یا حتی از جنسیت به‌طور کامل فاصله بگیرد.

بنابراین در فضای مجازی، جنسیت یک «عملکرد» به شمار می‌آید که از طریق نشانه‌ها و رفتارها شکل می‌گیرد. انتخاب نام‌های مستعار در این فضا بخشی از این عملکرد به شمار می‌آید؛

چراکه همچون یک ابزار اولیه برای معرفی هویت عمل می‌کند. انتخاب نام مستعار به عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی فضای سایبر سبب می‌شود هویت از بدن فیزیکی جدا شود؛ زیرا نام‌ها نخستین لایه‌ای هستند که هویت دیجیتال را بدون وابستگی به ظاهر فیزیکی یا جسم فرد تعریف می‌کنند؛ برای نمونه در توییتر، کاربری با انتخاب نام «موج» یا «هاله» می‌تواند هویت سیال یا بدون جنسیتی را که ارتباطی با جسم فیزیکی هم ندارد، انتخاب کند.

انتخاب نام‌های مستعار در فضای سایبر، تنها یک برچسب به شمار نمی‌آید؛ بلکه ابزار خلاقانه‌ای است که افراد از طریق آن می‌توانند داستان هویت خود را بنویسند. این خلاقیت همان چیزی است که دقیقاً در پیکسل‌های سیال (واحدهای کوچکی که هویت را تغییرپذیر می‌کنند) وجود دارد؛ برای نمونه کاربری با انتخاب نام مستعار «نورسام» یک هویت جنسیتی ترکیبی به نمایش می‌گذارد که در آن، «نور» به عنوان ظرافت زنانه و «سام» به عنوان قدرت مردانه تجلی می‌یابد. فردی نیز با نامی مانند «آذرتیام» در توییتر فعالیت می‌کند که هیچ نشانه جنسیتی مشخص (مثل نام‌های زنانه یا مردانه یا عباراتی مانند خانم یا آقا) ندارد و با ترکیب کلمات «آذر» (به معنای آتش و انرژی که نشان‌دهنده نوعی قدرت است) و «تیام» (چشم یا نگاه که نماد لطافت و جذابیت به نظر می‌رسد) یک هویت سیال یا خنثی را بازنمایی می‌کند.

نام‌های مستعار اگرچه می‌توانند همچون یک سازوکار قوی در پنهان کردن جنسیت واقعی عمل کنند، همیشه به‌طور کامل نمی‌توانند سیالیت هویت را تضمین کنند. در مواردی فشار اجتماعی یا حتی الزامات خود پلتفرم‌ها و مواردی از این قبیل می‌تواند این آزادی را محدود کند؛ مثلاً فردی را در نظر بگیریم که در شبکه‌های اجتماعی با انتخاب نام مستعار، هویت خود را پنهان می‌کند؛ اما در تعاملات آن لاین به گونه‌ای رفتار می‌کند که از طریق لحن یا محتوای گفت‌وگو به‌خوبی می‌تواند هویت واقعی خود را آشکار کند.

بنابراین نام مستعار را می‌توان یکی از در دسترس‌ترین و ابتدایی‌ترین سازوکارهای هویت سیال به شمار آورد. در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، پیش از انجام هر کاری، کاربر ابتدا یک نام برای خود انتخاب می‌کند. این نام مانند پیکسل اولیه، رنگ و جهت هویت جنسیتی فرد را مشخص می‌کند. در اینجا این کاربر است که انتخاب می‌کند چه هویتی - همانند هویت اصلی یا غیر آن - برای خود تعریف کند.

۲-۲-۳. آواتار

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بازسازی هویت در فضای سایبر، آواتارها هستند. آواتارها^۱ که در فارسی به آنها «چهرک» گفته می‌شود، درواقع تصاویری هستند که کاربران در اینترنت و به‌ویژه در تالارهای گفت‌وگو برای پروفایل خود استفاده می‌کنند. کاربران از آواتار در بازی‌های کامپیوتری، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. آواتار به عنوان یک شخصیت مجازی از سوی کاربر ایجاد شده و می‌تواند به صورت دوبعدی یا سه‌بعدی باشد. کاربر با ایجاد آواتار - به شکل فانتزی یا خیالی - درواقع به دنبال پنهان کردن هویت واقعی خود در فضای مجازی است و به جای آن، هویت مجازی از خود را به نمایش می‌گذارد.

بنابراین آواتارها این امکان را برای کاربران فراهم می‌کنند تا جنسیت خود را به صورت انتخابی تغییر دهند و ترکیبی از جنسیت‌ها را به نمایش بگذارند یا حتی بدون جنسیت، ظاهر شوند. این سازوکار هویت را به یک انتخاب خلاقانه و گزینشی تبدیل می‌کند.



آواتار فاقد ویژگی‌های جنسیتی



آواتار با ترکیبی از ویژگی‌های جنسیت مرد و زن



آواتار با ویژگی‌های جنسیتی زن



آواتار با ویژگی‌های جنسیتی مرد

۳-۲-۳. فیلترها و ابزارهای ویرایش دیجیتال

در فضای مجازی، ابزارهایی مانند فیلترهای شبکه‌های اجتماعی چون اسنپ‌چت، اینستاگرام یا حتی نرم‌افزارهای ویرایش تصویر وجود دارد که این امکان را برای کاربر فراهم می‌آورد تا بتواند ظاهر جنسیتی خود را تغییر دهد و بازنمایی جدیدی از خود ارائه دهد. این ابزارها برای کاربر این

1. Avatar.

قابلیت را ایجاد می‌کنند تا جنسیت خود را به صورت موقتی یا دائمی بازسازی کنند؛ برای نمونه با بهره‌گیری از فیلترهای تغییر جنسیت در اسنپ‌چت می‌توان هویت خود را با جنسیت مخالف ترسیم کرد.

در چارچوب بحث بازسازی هویت جنسیتی و «پیکسل‌های سیال»، به‌رغم ویژگی‌های مثبتی که برای این ابزارها تعریف شده، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. یکی از معایب این دو ابزار، محدودیت در گزینه‌های جنسیتی و تقویت دوگانه‌هاست؛ بسیاری از فیلترها مانند فیلترهای تغییر جنسیت یا Beauty بر اساس دوگانه مرد/زن طراحی شده و گزینه‌های خنثی یا سیال را مغفول نهاده است. این مسئله سیالیت هویت جنسیتی را که سایبرفمینیست‌ها به دنبال آن هستند، کم‌رنگ نموده و کاربران را صرفاً به دسته‌بندی‌های سنتی محدود کرده است. همچنین فیلترهایی مانند فیلترهای Beauty (صاف کردن پوست، بزرگ کردن چشم‌ها یا تغییر اندازه صورت) اغلب طبق کلیشه‌های زنانه طراحی شده و استانداردهای خاصی را مدنظر قرار می‌دهند. این فیلترها به جای تقویت سیالیت، هویت جنسیتی را به سمت یک تصویر «ایدئال» و جنسیت‌زده و معمولاً زنانه سوق می‌دهند.

در راستای مزایای ابزارهای دیجیتال، درخور ذکر است که در این محیط‌ها و محیط‌هایی مانند واقعیت مجازی و متاورس، هویت جنسیتی دیگر به بدن فیزیکی، محدود نیست و کاربران می‌توانند هویت خود را به نحو سیال ارائه دهند. این تجربه زیسته، سیالیت را از سطح نمایشی به سطح احساسی و ادراکی می‌برد؛ چیزی که در کدنویسی نیز مشاهده می‌شود. در کدنویسی، افراد می‌توانند هویت‌های دیجیتال خود را از طریق برنامه‌نویسی، شخصی‌سازی کنند و جنسیت خود را به صورت کاملاً سفارشی و خارج از گزینه‌های پیش‌فرض پلتفرم‌ها تعریف کنند. درمجموع می‌توان نتیجه‌گرفت آواتارها، فیلترها، واقعیت مجازی، نام‌های مستعار و... به مثابه «پیکسل‌های سیال» عمل می‌کنند؛ یعنی ابزارهایی که هویت جنسیتی را به واحدهای دارای قابلیت تغییر و بازسازی تبدیل می‌کنند. این سازوکارها آرمان‌های رهایی‌بخش سایبرفمینیسم را در عمل محقق می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه فناوری امروزی از نظریه‌های اولیه فراتر رفته است.

۴. چالش‌ها و تناقض‌های سیالیت در فضای سایبر

با وجود پتانسیل‌ها و قابلیت‌های رهایی‌بخش فضای سایبر و با وجود سازوکارهای بازسازی هویت، سیالیت هویت جنسیتی با چالش‌ها و موانعی روبه‌روست. تحلیل بیان‌شده در این بخش عملاً می‌تواند نگاه خوش‌بینانه صرفی را که به ظرفیت فناوری اطلاعات و فضای سایبری در تحقق سیالیت هویت جنسیتی وجود دارد، در هم شکند.

۴-۱. نابرابری در دسترسی به فناوری (شکاف دیجیتال)

پتانسیل اولیه و ویژگی فناوری اطلاعات اقتضای دسترسی یکسان همه افراد از جمله زنان به فضای سایبر را دارد و به شکل چشمگیری در گسترش عاملیت و کنش فمینیستی در اینترنت مؤثر است. اینترنت زنان را قادر می‌کند از شکاف خصوصی/عمومی عبور کنند و با زنان در سراسر جهان ارتباط برقرار کنند. با وجود این دسترسی به این فناوری برای همه به یک اندازه فراهم نیست. مشارکت زنان در رسانه‌های اجتماعی همانند منابع دیگر قدرت، تبعیض‌آمیز است و فشار جنسیتی در فضای مجازی در مناطق گوناگون به چشم می‌خورد؛ بنابراین اگرچه هدف نهایی جامعه فناوری توانمندسازی همه شهروندان از طریق دسترسی آسان به اینترنت است، نگرانی‌هایی در خصوص دسترسی برخی افراد از جمله زنان به فرصت‌های ایجادشده با فناوری اطلاعات وجود دارد. برای نمونه در گزارشی که درباره کشورهای عربی آمده است، دسترسی به اینترنت در جایگاه سومین مسئله مهم زنان پس از خشونت خانگی و فقر، رتبه‌بندی شده است (ر.ک: هامدی و کانلین، ۲۰۱۳م).

درخور توجه اینکه دیدگاه آرمان‌گرایانه و اتوپیایی فمینیست‌های سایبری به فضای سایبر به دسترسی صرف به تجهیزات اینترنتی و مشکل نابرابری در این حوزه باقی مانده است (ر.ک: گاجالا، ۲۰۰۰م: ۱۱۷-۱۳۷)؛ درحالی‌که مسائل مربوط به نابرابری آن‌لاین فراتر از دسترسی صرف به اینترنت است و زمینه‌های اجتماعی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد. زمینه‌هایی که بر ساخت خود محیط‌های فضای مجازی در سطح فرهنگی تأثیرگذارند و گفتمان‌های روایی پیشرفت خطی پدرسالارانه، استعماری و سرمایه‌داری به‌طور معمول در این ساختارها پیش می‌رود (همان: ۱۲۱). این گفتمان‌ها پتانسیل محدود کردن عاملیت آن‌لاین زنان را دارند و به طور بالقوه، مشارکت برابر آنها را در جامعه دیجیتال تضعیف می‌کنند.

این محدودیت سبب شده همه افراد به طور برابر به ابزارهای دیجیتال دسترسی نداشته باشند و بسته به جغرافیا، طبقه اجتماعی، جنسیت و نژاد، این نابرابری متغیر است. در این حالت، امکان بهره‌وری از بازسازی هویت جنسیتی برای این دسته، چندان وجود ندارد. این موضوع به‌ویژه برای زنان در مناطق محروم یا جوامع غیرغربی بیشتر صدق می‌کند که بر خلاف آرمان‌های سایبرفمینیستی، از این قلمرو کنار گذاشته می‌شوند.

۴-۲. آزار و خشونت جنسیتی در فضای سایبری

1. Hamdy & Conlin.

در روزگار کنونی، همراه با محبوبیت روزافزون شبکه‌های اجتماعی، مواردی همچون آزار جنسیتی سایبری نیز شکل گرفته است. این مشکل که عمدتاً زنان را درگیر کرده، در مواردی چنان ایشان را تحت فشار قرار می‌دهد که ناچار می‌شوند جنسیت خود را به صورت آن‌لاین پنهان کنند؛ چراکه می‌تواند به هویت زنان به عنوان زن آسیب برساند (سیترون،^۱ ۲۰۰۹م: ۱۳).

بنابراین به‌رغم تمام سازوکارهای بازسازی هویت جنسیتی، به نظر نمی‌رسد اینترنت آن‌قدر به مکان ناشناسی تبدیل شده باشد که تعامل‌کنندگان واقعاً بتوانند جنسیت خود را نادیده بگیرند یا پنهان کنند؛ بدین معنا که در شبکه‌های اجتماعی، جنسیت کاربران از طریق نام و یا تصویر و حتی اگر نام یا چهره‌ای هم در دسترس نباشد، با نشانه‌های دیگری مانند سبک زبانی، استنباط می‌شود. پس به‌رغم ادعای برخی فمینیست‌ها مبنی بر اینکه فناوری اطلاعات نشانه‌های اجتماعی را فیلتر می‌کند، تحقیقات صورت‌گرفته از سوی برخی اندیشمندان نشان می‌دهد جنسیت از نظر اجتماعی در فضای مجازی مهم است؛ برای نمونه هرینگ^۲ تفاوت‌های سیستماتیکی را در الگوهای مشارکت و سبک‌های گفتمانی مردان و زنان در فناوری ارتباطات و اطلاعات به دست آورده است (ر.ک: هرینگ، ۲۰۰۲م).

خطرات شناسایی شده در رسانه‌ها، سیاست‌ها و بحث‌های نظری در مورد دختران و زنان و فناوری دیجیتال عبارت‌اند از: نظارت از سوی سایبر کاربران آن‌لاین (ر.ک: توکوناگا،^۳ ۲۰۱۱م: ۷۰۵-۷۱۳)، خطرات حفظ حریم خصوصی (ر.ک: آلن،^۴ ۲۰۰۰م: ۱۱۷۵-۱۲۰۰/کوهن و شید،^۵ ۲۰۰۸م: ۲۱۰-۲۱۴)، نگرانی‌های مربوط به خودافشایی (به‌ویژه از نظر آزار و اذیت جنسیتی، آسیب به آبرو و اعتبار یا محدودیت در آموزش عالی) (ر.ک: آلن، ۲۰۰۰م: ۱۱۷۵-۱۲۰۰/کوهن و شید، ۲۰۰۸م: ۲۱۰-۲۱۴)، تهدید به تصاویر منتشرشده از خود (ر.ک: دورکین و لروم،^۶ ۲۰۰۹م: ۲۵۰-۲۶۳/گزنالس و هانکوک،^۷ ۲۰۱۱م: ۷۹-۸۳)، مزاحمت سایبری و آزار جنسیتی سایبری (ر.ک: سیترون، ۲۰۰۹م: ۳۷۳-۴۱۵).

آزار جنسیتی فضای سایبر می‌تواند زندگی زنان در دنیای واقعی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار

1. Citron.
2. Herring.
3. Tokunaga.
4. Allen.
5. Cohen & Shade.
6. Dworkin & Lerum.
7. Gonzales & Hancock.

دهد. کیتس سیترون در این مورد، زن جوانی را مثال می‌زند که از رفتن به باشگاه خودداری کرده، تنها به این دلیل که مزاحمان ناشناس او هم‌کلاسی‌های دانشکده حقوق او را تشویق کرده بودند تا با گوشی از او فیلم بگیرد و آن را به صورت آن‌لاین برای آنها ارسال کنند (همان: ۱۳). این نوع تهدیدات که در فضای سایبر ریشه دارد، می‌تواند به طور جدی زندگی زنان در دنیای واقعی را تحت تأثیر قرار دهد، اختیارات آنان را محدود کند و موجب ازدست‌رفتن استقلال زنان در فضای اقتصادی و در نتیجه ناتوانی ایشان در دستیابی به اهداف حرفه‌ای در زندگی‌شان شود.

بنابراین فضای سایبر در بسیاری موارد می‌تواند به میدان خشونت دیجیتال، آزار جنسیتی و تهدید علیه زنان و گروه‌های به حاشیه رانده شده تبدیل شود و مانع از تجربه آزادانه سیالیت هویت گردد. این چالش با دیدگاه اولیه سایبرفمینیست‌ها مانند دیدگاه هاروی که فضای سایبر را کاملاً رهایی-بخش و آزاد در نظر می‌گرفتند، در تناقض است و نیاز به بازنگری انتقادی را نشان می‌دهد.

۳-۴. بازتولید هنجارهای جنسیتی و الگوریتم‌های تبعیض‌آمیز

الگوریتم‌ها در سیستم‌های دیجیتال اغلب بر اساس داده‌های دنیای واقعی طراحی شده و آکنده از تعصبات جنسیتی هستند؛ بدین معنا که فناوری جدید بازتولیدکننده مسائل مشکل‌ساز در فرهنگ دنیای واقعی از جمله تبعیض جنسیتی، تبعیض نژادی و هویت‌های سنتی جنسیتی هستند. در نظر فرناندز و وایلدینگ «رسانه‌های جدید در یک چارچوب اجتماعی بنیان‌شده از پیش در محیط‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که هنوز هم عمیقاً دارای تبعیض جنسیتی و تبعیض نژادی هستند، وجود دارد» (فرناندز و وایلدینگ، ۲۰۰۲: ۲۴).

بنابراین در خصوص گمنامی هویت و تأثیر آن در برابری جنسیتی در فضای سایبر - بر خلاف خوش‌بینی برخی - سلف و مایر در یک بررسی دریافته‌اند که شرکت‌کنندگان مرد در گروه‌های آن‌لاین بر تعامل، هم‌در حالت عادی و هم‌در حالت گمنامی، غالب بوده‌اند (ر.ک: سلف و مایر، ۱۹۹۱^۲: ۱۷۰-۱۹۲). این بررسی همچنین بهره‌گیری مردان از تاکتیک‌های تهاجمی در بحث‌های آن‌لاین را که گاهی به صراحت شرکت‌کنندگان زن را هدف قرار می‌دهد، گزارش می‌کند؛ بنابراین چنین تعاملاتی نه تنها نقش‌های جنسیتی سنتی زن را حذف یا حتی متعادل نمی‌کند؛ بلکه به عنوان ابژه جنسی آن را بازتولید می‌کند. البته این وضع به‌طورکامل به تأثیر فناوری ارتباطات رایانه‌ای مرتبط نیست؛ بلکه به الگوهای قبلی سلسله‌مراتبی و سلطه مردان در جامعه نیز بر می‌گردد.

1. Fernandez & Wilding.

2. Selfe & Meyer.

براین اساس گاجالا فضاهای آن‌لاین را ذاتاً برای زنان آزادکننده نمی‌داند و آن را مقدم بر مجموعه‌ای از نگاه‌های جنسیتی می‌داند که انواع محدودیت‌های احتمالی در زمینه عاملیت و بیان آزاد برای زنان به صورت آن‌لاین را ترسیم می‌کنند (گاجالا، ۲۰۰۰م: ۱۲۵). در این فضا مردان تمایل دارند از نظر میزان و نحوه برقراری ارتباط، با استفاده از صحبت‌های تقابلی و خودتبلیغی تسلط داشته باشند. الگوهایی که یک سلسله مراتب قدرت جنسیتی آشنا را به نمایش می‌گذارند: اینکه مردان در جایگاه غالب و زنان در جایگاه فرو دست قرار دارند. پس اگر موردی در فضای سایبر به نظر می‌رسد که زن بر فضا کنترل دارد و در مرکز توجه قرار دارد، به عنوان موضوع میل جنسی است، نه به عنوان یک فرد دارای برابری فکری.

این الگوها - بر خلاف آنچه ادعا شد - می‌توانند به جای تقویت سیالیت، گاهی کاربران را به الگوهای جنسیتی سنتی محدود کند و هویت‌های غیرسنتی را کاملاً نادیده بگیرد. موضوعی که با ایده پلانت درباره ذات غیرمتمرکز فضای سایبر در تضاد است و نشان می‌دهد ساختارهای قدرت و جنسیت در لایه‌های پنهان دنیای دیجیتال حضور دارند؛ بنابراین ادعای سایبرفمینیست‌ها در مورد فضای سایبر به عنوان بستر رهایی با موانع ساختاری و اجتماعی جدی روبه‌روست.

ارزیابی

با توجه به تاریخچه نظری، سازوکارهای عملی و چالش‌های مطرح‌شده، این گونه ارزیابی می‌شود که:

فمینیست‌ها در فضای سایبر با نظریه‌پردازی در این حوزه و ارائه اندیشه‌های جدید در تلاش برای دفاع از هویت و حقوق زنان و به چالش کشیدن مردسالاری هستند. فعالان سایبرفمینیست با ایجاد هویت جدید جنسیتی، با هدف در هم شکستن هویت سنتی، به دنبال بازتعریف موقعیت زنان و در پی تغییر شکل ساخت‌های اجتماعی هستند. این رویکرد خوش‌بینانه اگرچه از سوی بسیاری از فمینیست‌ها پذیرفته شده، همان‌طور که گذشت، این نگرش با چالش‌ها، محدودیت‌ها و موانعی روبه‌روست که آشکارا سیال بودن هویت جنسیتی در فضای سایبر را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کنند؛ چالش‌ها و موانعی که برخی از آنها بیان شد. با این حال رویکرد سایبرفمینیستی در فضای سایبر به عنوان پایه‌ای برای سیالیت جنسیتی به مثابه پیکسل‌های سیال، به لحاظ بنیادی و نظری، ایرادهایی دارد که پذیرش آن را دشوار می‌کند:

۱. یکی از چالش‌های موجود، تضاد هویت سایبورگ به عنوان نماد برجسته این تفکر با معنا و واقعیت انسان بودن است. پرسش اینجاست که سایبورگ به عنوان موجودی مرکب از انسان و ماشین که از جسمانیت و جنسیت انسانی فراتر رفته است، در حقیقت با کدام واقعیت موجود

مطابقت دارد؟ در اینجا بدن ما به عنوان بدن یک زن که آن را به عینه درک می‌کنیم، چه هویتی می‌یابد؟ آیا صرفاً گوشت هستند؟ پسانسان هستند؟ متعالی؟ غیرمادی؟ فمینیست‌های سایبری در حالی این ایده را مطرح می‌کنند که بدن زنان در هر گفتمان فرهنگی یا سیاسی، نقش اساسی دارد و در مرکز فعالیت و نظریه فمینیستی، نقش اساسی دارد. فراتر از آن، «واقعیت» به مثابه یک واژه اصلی و اساسی در فرهنگ فمینیست‌ها، در این نظریه کاملاً فرونهاد شده و این‌گونه «واقعیت» زنان به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود.

مرلین فرای^۱ در مقاله «دیدن و دیده شدن: سیاست واقعیت» واقعیت را بر اساس پیوندهای تاریخی این واژه با اعضای خاندان سلطنتی تعریف می‌کند و «واقعی» را به «واقعی» (Real) اسپانیایی می‌رساند که معادل «شاهانه» (Regal) یا «سلطنتی» (Royal) انگلیسی است و او واقعیت را به چشم شاه می‌رساند، املاک واقعی - ملک پادشاه، واقعیت - آنچه شاه می‌تواند ببیند (ر.ک: فرای، ۱۹۸۳م: ۱۵۲-۱۷۴). مانند این سخن فرای، این روزها ایجادکنندگان و توسعه‌دهندگان فضای مجازی همانند پادشاه هستند؛ آنچه آنها از خانه‌های بورس سهام خود می‌گویند، واقعی جلوه می‌کند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا آنان زنان فقیر و مورد ستم، زنان آسیب‌دیده و حاشیه‌نشین و... را می‌بینند؟ با توجه به دشواری دیدن چیزهای «واقعی» و دیدن انسان‌ها در «دنیای واقعی»، چگونه چنین چیزی بر سایبورگ‌ها انطباق‌پذیر است؟ آیا این سایبورگ‌ها شهروند هستند؟ و... این پرسش‌ها و پرسش‌های پرشمار دیگری، چالش‌هایی هستند که در مورد سایبورگ و واقعیت فضای امروزه سایبری مطرح است و این هویت را با چالش روبه‌رو می‌کند.

برخی از نویسندگان بدن زن را با سایبورگ مقایسه می‌کنند و آن را با سایبورگ سازگار می‌دانند؛ برای نمونه آن بالسامو بدن زن را از نظر تاریخی، یک مورد ترکیبی ساخته‌شده در نظر می‌گیرد و آن را با مفاهیم هویت سایبورگ که نظریه‌پردازان جدیدتر فرهنگ اعلام کرده‌اند، سازگار می‌داند (بالسامو، ۱۹۹۹م: ۱۹). ان کاترین هیلز نیز اساساً هیچ تفاوتی بین سایبورگ و زن نمی‌یابد (هیلز، ۱۹۹۵م: ۳۱۱). به نظر می‌رسد چنین نگرش‌هایی در تصور ناقص بودن زنان به دلیل پدرسالاری ریشه داشته باشد؛ همان‌طور که فروید آن را بیان کرده و متخصصان علم پزشکی کوشیده‌اند آن را اصلاح کنند، چنان‌که ادیان نیز در ازبین‌بردن این اندیشه سعی داشته‌اند.

1. Marilyn Frye.
2. Hayles.

براین اساس است که رابین مورگان^۱ فمینیست رادیکال به صراحت بیان می‌کند که من یک هیولا هستم (بل و کلین،^۲ ۱۹۹۵م: xv).

همان‌طور که هیلز اذعان دارد ایده سایبورگ که نماد تحول هویت جنسیتی در فضای سایبر به شمار می‌رود، شاید بتواند سوژه‌های زن و مرد را ترکیب کند یا سیاه و سفید، ثروتمند و فقیر را با تمرکز بر عناصر ماشین‌سازی «متحد» نماید؛ اما این نحوه حضور می‌تواند به قدری فراگیر شود که معنا و کاربرد خود را از دست بدهد (هیلز، ۱۹۹۵م: ۳۲۲).

۲. بر خلاف آنچه فمینیست‌های سایبری در مورد ویژگی پساجنسیتی فضای سایبر و تهی بودن این فضا از دوگانگی جنسیتی و بنیادهای مردسالاری بیان می‌دارند، فضای آن‌لاین در موارد بسیاری بر اساس مردسالاری و سرمایه‌داری بنیان شده است (ر.ک: هال،^۳ ۱۹۹۶م: ۱۴۷-۱۷۲). بنابراین ایده سایبر فمینیست‌ها در خصوص حرکت هویت سایبری ورای دوگانه‌های سنتی و محدودیت‌های ذاتی جنسیت منطبق با واقع نیست و اساساً دختر یا زن بودن پیوندی جدانشدنی از حضور در شبکه‌های اجتماعی آن‌لاین دارد.

پس ایجاد تصویری از زنان به عنوان سایبورگ - یا هم‌زمان انسان و ماشین با هویت ترکیبی - با واقعیت موجود در این فضا سازگار نیست؛ به‌طوری‌که حتی هاراوی خود به تحقق نیافتن آن اذعان نموده، ادعا می‌کند بی‌گمان زنان در دنیای پس از جنسیت هنوز سایبورگ نشده‌اند (هاراوی، ۱۹۹۱م: ۱۵۰). پس به نظر می‌رسد جنسیت یک جنبه فعال از تمایلات سایبورگ زنان است و به طور دائم در داده‌های آن‌لاین آنها کدگذاری می‌شود؛ بنابراین فضای مجازی محلی برای تجربه‌های نامحدود، متعالی و بدون جنسیت نیست و سایبورگ‌ها بر خلاف برخی ادعاهای علمی، قاطعانه نهادهای بی‌طرف جنسیتی نخواهند بود.

بدین ترتیب حذف بدن و جسمانیت فیزیکی از فضای سایبر نیز به‌طور کامل تحقق نیافته و آن‌گونه که ادعا می‌شود، این فضا تهی از جسمانیت نیست. اگرچه ارتباطات رایانه‌ای - به‌ویژه در سال‌های آغازین گسترش آن - ماهیت تعامل را با حذف نشانه‌ای بدنی تغییر داد؛ اما این به معنای ایجاد ماهیت جدید نیست و بدن و جسمانیت نقش مهمی در معنای انسان بودن و جنسیت دارد.

۳. از آنجایی که فمینیسم سایبری بر اساس کار دانشمندان منتقد غربی پایه‌گذاری شده است،

1. Robin Morgan.

2. Bell & Klein.

3. Hall.

گفتمان‌های سایبرفمینیستی معاصر اغلب موضوعی غربی، خاص و یکپارچه را در نظر می‌گیرند. این گفتمان‌ها فرض را بر این می‌گیرند که توانایی برخورداری وجودی مستقل از ساختارها، عملکردها و ایدئولوژی‌های جامعه را دارند؛ درنهایت زنانی که با این الگو مطابقت ندارند، به طور ضمنی فرصت مشارکت در مقاومت سازمان‌یافته سایبرفمینیستی را از دست می‌دهند. به‌طور مشخص گاجالا فمینیسم سایبری را به دلیل چارچوب‌بندی ساختارهایی مانند «جهل»، «جهان سوم»، «هویت» و «مدنیت» در اصطلاح بورژوازی غربی و بی‌توجهی به تطبیق روایت‌های فضاهای مجازی سایبری دیگر به نقد می‌کشد (گاجالا، ۲۰۰۰م: ۱۲۱). بنابراین فضاهای سایبرفمینیستی گسترش‌دهنده نوعی گفتمان‌های استعماری و روایت‌هایی از پیشرفت هستند که در آن، «جهان سوم» صرفاً مصرف‌کننده بهره‌وری «جهان اول» - چه در قالب نظریه و چه در قالب عمل - قلمداد می‌شود.

۴. به‌رغم گسترش فناوری‌های رسانه‌ای و بهره‌برداری زنان از تکنیک‌های موجود در این فضا در برخورداری از انعطاف جنسیتی، تمرکز بر فضای مجازی به عنوان محیطی صرف برای تبدیل ماهیت جنسیت و مقوله‌های موجود هویت جنسیتی، امری نادرست به شمار می‌آید. برخی فمینیست‌های نگران درباره ادعاهای آزادی‌خواهانه اینترنت این امر را پذیرفته‌اند و اذعان می‌کنند فناوری جدید ارتباطی، مسائل مشکل‌ساز در فرهنگ مانند پویایی قدرت آشنای تبعیض جنسی، تبعیض نژادی و هویت‌های سنتی جنسیتی را به‌خوبی بازتولید می‌کنند (ر.ک: برایدوتی و لیکه، ۱۹۹۶م).

فرناندز و وایلدینگ بر این باورند که رسانه‌های جدید در یک چارچوب اجتماعی بنیان‌شده از پیش، در محیط‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارند که هنوز هم عمیقاً دارای تبعیض جنسیتی هستند (فرناندز و وایلدینگ، ۲۰۰۲م: ۲۴). این نگرش سبب شده برخی نویسندگان سایبرفمینیسم نوعی دل‌سردی به افسانه‌های قدرتمند اینترنت به عنوان فضایی به‌دور از سلسله‌مراتب هویتی، طبقاتی و فرهنگی نشان دهند. مطالعات اینترنتی نیز نشان از آن دارد که در کنار داستان‌هایی که درباره توانمندسازی و موفقیت زنان در اینترنت وجود دارد، گزارش‌هایی از نابرابری در دسترسی و استفاده و همچنین جنسیت و آزار و اذیت آن‌لاین مستند وجود دارد (ر.ک: هرینگ، ۲۰۰۲م: ۱۴۸).

بنابراین به‌رغم تلاش سایبرفمینیست‌ها به‌ویژه از طریق طرح ایده سایبورگ در ایجاد راه جدیدی

برای تفکر دربارهٔ هویت انسان در عصر اینترنت، مطالعات گویای آن است که خود آن‌لاین با خود واقعی بسیار مرتبط است و از این رو به نظر نمی‌رسد تعامل اجتماعی در اینترنت به‌طور کلی تأثیر مستقیمی بر الگوی زندگی روزمره به‌جز افزودن تعامل آن‌لاین به روابط اجتماعی موجود داشته باشد (کاستلز، ۲۰۰۱م: ۱۱۹).

نتیجه‌گیری

در رویارویی با مسئلهٔ هویت سیال در گفتمان سایبر فمینیسم نمی‌توان رویکرد مطلقاً ایجابی یا سلبی در پیش گرفت؛ بلکه لازم است این پدیده از دیدگاه کارکردها، فرصت‌ها و چالش‌های آن در بستر مفهومی و تجربی آن بررسی شود.

تلاش فمینیست‌های سایبری برای رهایی از محدودیت‌های جنسیتی موجود در دنیای واقعی به طرح ایدهٔ هویت سیالی منجر شده است که بر اساس آن، هویت جنسیتی از یک مفهوم ثابت به فرایندی سیال و خلاق تبدیل می‌شود. این ایده که با بهره‌گیری از ظرفیت این فضا و برخورداری از ویژگی‌هایی مانند شبکه‌ای بودن، غیر متمرکز بودن و سیالیت این فرصت را به دست آورده، به دنبال راهی برای رهایی از بازتولید محدودیت‌های جنسیتی در فضای سایبر است. این ایده که در سایبورگ‌ها راوی به اوج خود می‌رسد، می‌کوشد هویتی سیال و کمتر وابسته به جسمانیت و کلیشه‌های جنسیتی دنیای واقعی ایجاد کند.

ایدهٔ رهایی هویتی از طریق فضای سایبر گویا این مسئله را پیش‌فرض می‌گیرد که همهٔ افراد به اینترنت، فناوری اطلاعات و حتی سواد دیجیتال، دسترسی برابر دارند؛ درحالی‌که در واقعیت، یک شکاف عمیق دیجیتالی بر اساس طبقهٔ اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، نژاد و جنسیت وجود دارد. این مسئله می‌تواند «هویت سیال سایبری» پیشنهادی سایبر فمینیست‌ها را صرفاً امتیازی برای گروه‌های خاص و برخوردار قرار دهد و در نتیجه نمی‌توان آن را یک راه‌حل جهانی برای رهایی از محدودیت‌های جنسیتی دانست.

سایبر فمینیسم با الهام از نظریه‌هایی چون ایدهٔ سایبورگ در صدد رهایی از دوگانه‌های جنسیتی در دنیای سنتی بر می‌آید. این رویکرد اگرچه از بدن بیولوژیکی زنان عبور می‌کند و هویتی به‌ظاهر غیر ثابت، انتخاب‌پذیر و سیال را موجب می‌شود؛ اما در حقیقت به معنای نادیده گرفتن واقعیت فیزیکی و بدن زن به شمار می‌آید. نادیده گرفتن بدن که مظهر ظاهری جنسیت هر فردی در نظر گرفته می‌شود، در واقع به‌نوعی به انکار تجربه‌های زیستهٔ زنان در دنیای واقعی منجر می‌شود. حتی در صورت پذیرش هویت سیال در دنیای دیجیتال نیز این سیالیت هرگز به ایجاد تغییرات در دنیای واقعی نمی‌انجامد. این ایده حتی با رویکرد خود فمینیست‌ها در دهه‌های گذشته نیز سازگار نیست.

فمینیسم در طول دهه‌ها بر اهمیت «بدن» به عنوان محل تجربه سرکوب و همچنین مقاومت تأکید داشته است؛ برای نمونه در مباحث مربوط به حق سقط جنین، خشونت خانگی و بازنمایی بدن زنان در رسانه‌ها، فمینیست‌ها تأکید بسیاری بر بدن زن به عنوان بخشی از هویت او داشته‌اند؛ بنابراین تلاش سایبرفمینیست‌ها برای فراتر رفتن از بدن در فضای سایبری، با تأکید تاریخی فمینیسم بر اهمیت بدن به نوعی تضاد در اندیشه‌های ایشان را منجر شده است. چگونه می‌توان از حقوق مرتبط با بدن در دنیای واقعی سخن گفت و هم‌زمان از محدودیت‌های بدن و هویت جنسیتی گریخت؟

بنابراین بدن زنانه نه فقط یک موضوع زیستی، بلکه محملی برای تجربه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... است و گسستن از بدن و پذیرش هویت‌های مجازی غیرجنسیت‌مند به حذف تجربه عینی و مادی زنان انجامیده و مانعی برای به رسمیت شناختن رنج‌های آنان می‌شود؛ از این رو تأکید بیش از حد بر هویت سیال باعث نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت جلوه دادن مشکلات واقعی زنان در دنیای واقعی می‌شود. مسائلی چون خشونت خانگی و جنسی، تبعیض، دسترسی نابرابر به فرصت‌ها که عمیقاً با بدن زنانه و جایگاه اجتماعی آنان گره خورده است.

در مجموع می‌توان گفت فضای سایبر تا حدودی می‌تواند بستری برای خودبیانگری و شبکه‌سازی جهانی باشد؛ با این حال پذیرش کامل آن نیازمند احتیاط و تفکر بیشتر است. به‌ویژه در مورد جوامعی که نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی عمده‌تأبر اساس کلیشه‌های فرهنگی و دینی تثبیت شده‌اند. از این رو اگرچه فضای سایبر شاید بتواند تا حدی فرصتی برای بازتعریف هویت فراهم آورد؛ اما زندگی واقعی افراد به‌ویژه زنان در بافت‌ها و بسترهای سنتی و ساختارهای اجتماعی، حقوقی و فرهنگی آن تداوم دارد و ادعای سیالیت هویت در فضای سایبری، بدون هرگونه اصلاح ساختارهای حقیقی قدرت، ممکن است به نوعی توهم‌رهایی منجر شود.

بنابراین اگر هدف نهایی خود را ایجاد فضاها برای آن‌لاین و آف‌لاینی بدانیم که همه افراد - صرف‌نظر از هویت جنسیتی خود - از حقوق برابر و احترام برخوردار باشند، فضای سایبر را می‌توان تنها ابزاری برای رسیدن به این هدف در نظر گرفت. در این میان هویت سیال صرفاً به عنوان یک ابزار نقد و رهایی اولیه - و نه راه‌حل نهایی - باید به سوی توجه به تجربه زیسته، بدن، زمینه فرهنگی و دینی و عدالت جنسیتی واقعی حرکت کند و بدان متعهد باشد؛ به بیان دیگر ایده هویت سیال را تنها ابزار بالقوه یا یک فضای آزمایشی در نظر گرفت که می‌تواند به نقد هنجارهای جنسیتی کمک کند؛ اما هرگز به عنوان هدف نهایی یا جایگزینی برای تلاش برای در دنیای واقعی، پذیرفتنی نیست.

در نتیجه «پیکسل‌های سیال» به عنوان سازوکاری در بازسازی هویت جنسیتی، اگرچه در موارد محدود و به صورت جزئی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ اما به صورت کلی با محدودیت‌هایی روبه‌روست که بازبینی در این رویکرد را می‌طلبد؛ بنابراین این مطالعه نه تنها درک ما از جنسیت در عصر فناوری دیجیتال را غنی‌تر می‌کند؛ بلکه پرسش‌هایی فراروی پژوهش‌های آینده نیز قرار می‌دهد: سیالیت جنسیت در پرتو نگاه اسلامی چگونه تحلیل می‌شود؟ چگونه می‌توان سیالیت هویت را با عدالت اجتماعی آشتی داد؟ و... .

منابع و مأخذ

1. Allen, Anita (2000). Gender and Privacy in Cyberspace. *Stanford Law Review*. 52 (5), 1175–1200.
2. Balsamo, Anne (1999). *Technologies of the Gendered Body: Reading Cyborg Women*. Durham, NC: Duke University Press.
3. Barnett, Tully (2014). Monstrous Agents: Cyberfeminist Media and Activism. *Ada: A Journal of Gender, New Media, and Technology*. n.5.
4. Bell, Diane & Klein, Renate (1996). *Radically Speaking: Feminism Reclaimed*. London: Zed Books, Melbourne: Spinifex Press.
5. Braidotti, Rosi & Lykke, Nina (1996). *Between Monsters, Goddesses and Cyborgs: Feminist Confrontations with Science, Medicine and Cyberspace*. London: Zed Books.
6. Castells, Manuel (2001). *the Internet Galaxy: Reflections on the Internet, Business, and Society*. London: Oxford University Press.
7. Citron, Keats (2009). Law's Expressive Value in Combating Cyber Gender Harassment. *Michigan Law Review*. (108), 373-415.
8. Cohen, Nicole S. & Shade, Leslie (2008). Gendering Facebook: Privacy and Commodification. *Feminist Media Studies*. 8 (2), 210–214.
9. Dworkin, Shari & Lerum, Kari (2009). Bad Girls Rule: An Interdisciplinary Feminist Commentary on the Report of the APA Task Force on the Sexualization of Girls. *Journal of Sex Research*. 46 (2), 250–263.
10. Fernandez, Maria & Wilding, Faith (2002). Cyberfeminism, Racism, Embodiment. *Domain Errors! Cyberfeminist Practices*. Brooklyn: Autonomedia.
11. Frye, Marilyn (1983). To Be and Be Seen: The Politics of Reality. Marilyn Frye, *The Politics of Reality: Essays in Feminist Theory* (152–174). Trumansburg, NY: The Crossing Press.
12. Gajjala, Radhika (2000). Internet Constructs of Identity and Ignorance: "third-world" Contexts and Cyberfeminism. *Works and Days*. 35/36 (18), 117-137.
13. Gonzales, Amy & Hancock, Jeffrey T. (2011). Mirror, Mirror on my Facebook Wall: Effects of Exposure to Facebook on Self-Esteem. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*. 14 (1/2), 79–83.
14. Hall, K. (1996). Cyberfeminism. *Computer-Mediated Communication: Linguistic, Social and Cross-Cultural Perspectives* (pp.147-172). Philadelphia: John Benjamin's Publishing Company.
15. Hamdy, N. & Conlin, L. (2013). Women and Social Media in the Egyptian Revolution. in B. R. Editor (Eds.). *Social Media go to War: Rage, Rebellion and Revolution in the Age of Twitter*, Spokane, Wash: Marquette Books, 487-501.

16. Haraway, Donna (1991). *A Manifesto for Cyborgs: Science, Technology, and Socialist-Feminism in the Late Twentieth Century*. in Donna Haraway *Simians, Cyborgs and Women. The Reinvention of Nature*, New York: Routledge.
17. Harding, Sandra (1987). *Science Question in Feminism*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
18. Hayles, N. Katherine (1995). *The Life Cycle of Cyborgs: Writing the Posthuman*. Chris Habes Gray (Ed.), New York and London: Routledge.
19. Herring, Susan C. (2002). Cyber Violence: Recognizing and Resisting Abuse in: Online Environments. *Asian Women*, n.14.
20. Molony, B. (2005), *Technology and Identity: Is Rapidly Accelerating Technology Eroding our Sense of who are we?*. Received from: http://sts.scu.edu/nexus/Issue1-2/05_Molony.asp
21. Plant, Sadie (1996). On the Matrix: Cyberfeminist Simulations. Rob Shields (ed.). *Cultures of the Internet: Virtual Spaces, Real Histories, Living Bodies*. London: Sage.
22. Plant, Sadie (1998). *Zeros and Ones: Digital Women and the New Technoculture*. London: Fourth Estate.
23. Reid, Elizabeth (1994). *Text-Based Virtual Realities: Identity and the Cyborg Body*. Received from: <http://www.aluluei.com/cult-form.htm>
24. Selfe, Cynthia & Meyer, Paul R. (1991). Testing Claims for Online Conferences. *Written Communication*. 8 (2): 163–192.
25. Stone, Allucquere Rosane (1995). *The War of Desire and Technology at the Close of the Mechanical Age*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
26. Tokunaga, Robert (2011). Social Networking Site or Social Surveillance Site? Understanding the Use of Interpersonal Electronic Surveillance in Romantic Relationships. *Computers in Human Behavior*. 27 (2), 705–713.
27. Turkle, Sherry (1995). *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*. New York: Simon & Schuster.
28. Weigert, Andrew J. (1983). Identity: Its Emergence Within Sociological Psychology. *Symbolic Interaction*. 6 (2), 183-206.
29. <http://www.aec.at/www-ars/matrix.html>.